

حجاب و پوشیدگی در شهرسازی ایرانی - اسلامی

نمونه پژوهش میدانی: بافت قدیم شهر شیراز

علی منصوری *

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۹/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۸۹/۰۳/۱۶

چکیده

زندگی و رفتارهای اجتماعی انسانها تابع فرهنگی است که در آن زاده شده و پروریده‌اند. قطعاً این فرهنگ حاصل جغرافیاست، جغرافیای انسانی و طبیعی. این جغرافیا، انسان ساختها را بصورت چشم اندازهای خاصی که نیازهای زمان را برطرف کند، جلوه گر می‌سازد. یکی از این انسان ساختها و یا از مهمترین آنها، مسکن و معماری مسکن است. در هر فرهنگی این مسکن با توجه به جغرافیای همان فرهنگ ساخته می‌شود از جمله؛ دین، ادبیات، آب و هوا، ارتفاع و ... این جغرافیا در کشور ایران نموده‌های ویژه‌ای را در ساخت و سازها از خود برجای گذاشته که نمود فرهنگ درونگرایی و رعایت حجاب در ساخت و سازها یکی از آنهاست. این فرهنگ در بافت قدیمی تمامی شهرهای ایران وجود دارد. شهر شیراز یکی از شهرهایی است که به دلیل سابقه طولانی، این سنت را درون خود حفظ کرده لیکن نه در معماری کنونی و صنعتی که در معماری بافت قدیم. رعایت نکردن فرهنگ درونگرایی مغایرتهای شدید و بنیان کنی را در ساخت و سازها ایجاد کرده که یکی از پیامدهای آن نابودی فرهنگ بومی در ساخت و سازهاست و قطعاً ویرانی سایر نموده‌های فرهنگی را در این مروز بوم در پی خواهد داشت. به عبارت دیگر، معماران کنونی چنان مسحور شیوه‌های غربی شده‌اند که رعایت فرهنگ بومی را باید در ساخت و سازهای قدیمی جستجو کرد. اما سنت حجاب و پوشیدگی که حتی در کنده کاری‌های ۲۰۰۰ ساله رعایت شده، می‌تواند هم اکنون در تلفیق سنت و صنعت رعایت شود و ما از شیشه‌های سکوریت، تراس‌های پرده گذاری شده و یا شبکه‌ای، آشپزخانه‌های باز (Open) و اجباراً پرده گذاری شده، و فرار از منازل بدون در و دیوار و ... نجات یابیم. دیوارها و درب‌های (دروازه‌ها) ورودی حیاطها، ورودی خانه‌ها، آشپزخانه‌ها، حمامها و دستشویی‌ها با رعایت سنت پوشیدگی، هنوز هم می‌توانند حریم امن و حجاب را در مسکن بوجود بیاورند. این مقاله بحث را در دو قسمت:

- ۱- پیش زمینه شامل الف- درونگرایی ساخت مسکن بومی ب- برون گرایی در معماری جدید (معماری غربی) پ- بافت قدیم شیراز (در حال تخریب) ۲- بحث اصلی شامل جغرافیای مسکن، فرهنگ درونگرایی، فرهنگ برونگرایی، درونگرایی و اصل بازگشت به خویش ارائه خواهد داد.

واژگان کلیدی: حجاب، معماری، اندرونی، بیرونی، جغرافیای انسانی، شهرسازی، معماری بومی، پاولیون^۱، پردیس^۲.

* استادیار گروه جغرافیا دانشکده علوم پایه دانشگاه آزاد اسلامی شیراز

سکونتگاهها و بالطبع معماری ساخت این سکونتگاهها، ناگهانی و قارچ گونه از زمین نرسته‌اند بلکه عصاره فرهنگ، تمدن و جغرافیای مکان خودند، هم از نظر جایگاه و هم از نظر نحوه ساخت اجزای داخلی مساکن. این جغرافیا گاهی همراه بوده با امنیت که فضاها را باز و گسترده ساخته و برعکس در زمان بحران، مساکن را بسته و محدود و متصل به هم ساخته‌اند بدون فضای باز. بنابراین نمای بیرونی و فضای درونی یک بنا و یا بناهای یک سرزمین حاصل، فرهنگ حاکم و جغرافیای زمان خود است. این چارچوبه، نسل به نسل منتقل شده تا به نسل حاضر رسیده و به یکباره گذشتن از آنها قطعاً نابودی فرهنگ و ملت را در پی خواهد داشت.

انسانها از غارنشینی به سوی کوچ نشینی-روستانشینی و سرانجام به شهرنشینی رسیدند با این هدف که به راحتی و رفاه رسیده باشند، به دلیل سختی و مشقتهاى آن نوع زندگی. مهمترین اصل در ایجاد این رفاه، خصوصی بودن زندگی در اندرون مساکن و بنا بود، به ویژه در کشور، دین و مذهب ما.

سکونتگاهها و بالطبع معماری ساخت این سکونتگاهها، ناگهانی و قارچ گونه از زمین نرسته‌اند بلکه عصاره فرهنگ، تمدن و جغرافیای مکان خودند، هم از نظر جایگاه و هم از نظر نحوه ساخت اجزای داخلی مساکن

این حریم‌ها که در شهرسازی و مساکن و ابنیه‌ها وجود داشت، ما از آنها به «حجاب» در شهرسازی

معماری ایرانی دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی است که اقلیم، ملیت و دین را در هم آمیخته و دارای مشخصاتی همچون طراحی مناسب، محاسبات دقیق، فرمهای صحیح پوششی، رعایت مسایل علمی، ایوانهای بلند و تزئینات گوناگون، و در عین سادگی، بر اصولی همچون، خودکفایی، پرهیز از بیهودگی و درونگرایی، و «حجاب» استوار است

(معماری) نام می‌بریم، به عبارتی دیگر، «حجاب» در معماری ایرانی-اسلامی. به عنوان نمونه، درب ورودی حیاط (دروازه‌ها) در حال حاضر به گونه‌ای است که به محض باز شدن درب، کل حیاط در معرض دید خارجی قرار می‌گیرد حتی درهای انفرادی و حیاطهای بزرگ اعیان و اشراف شهر و در حقیقت در زمان کنونی به فضایی در معماری رسیده‌ایم که عریان سازی و نماسازی و پرده دری و بی‌پروایی، شاکله ساخت و سازهاست، بویژه در ورودی‌ها. در صورتی که در معماری گذشته درب‌های ورودی L مانند بودند، پردیس داشتند و به هیچ وجه حیات در معرض دید بیرونی قرار نمی‌گرفت و امروزه این شیوه به کنار گذاشته شده است. در اندرونی منازل، مثلاً آشپزخانه‌های OPEN سمبلی شده‌اند در معماری این دیار. به عبارتی دیگر، فرآیند حرکت از درون گرایی به برون گرایی. به عنوان نمونه درونگرایی و برونگرایی در ساخت ارگ کریمخانی از لحاظ زیبایی و تنوع رنگ و نقاشی تناسبی با هم ندارد و بیشتر به درون پرداخته شده است. معماری ایرانی دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی است که اقلیم، ملیت و دین را در هم آمیخته و دارای مشخصاتی

همچون طراحی مناسب، محاسبات دقیق، فرمهای صحیح پوششی، رعایت مسایل علمی، ایوانهای بلند و تزئینات گوناگون، و در عین سادگی، بر اصولی همچون، خودکفایی، پرهیز از بیهودگی و درونگرایی، و «حجاب» استوار است. همه اینها حاصل فرهنگ‌اند، فرهنگی چندین هزار ساله در ساخت و سازها. خواننده پس از مطالعه این مقاله درخواهد یافت که طراحی‌های سنتی و بومی که امروزه در مسکن ما به کناری نهاده شده‌اند ارزش باززنده سازی و رعایت مجدد را دارند.

هدف

تحلیل، بررسی و باززنده سازی تفکر رعایت «حجاب» در شهرسازی قدیم و بهینه‌سازی و بهبود رعایت آن در مسکن فعلی، چه شهری و چه روستایی.

سوالات مقاله

- ۱- درونگرایی در ساخت مسکن ایرانی-اسلامی و نمودهای عینی این فرهنگ در زمان کنونی کدامند؟
- ۲- فرهنگ درونگرایی در این مرزوبوم یک سنت است، آیا در مواجهه با صنعت، این سنت باید به کناری نهاده شده و شالوده صنعت بر ویرانه‌های این سنت بنا شوند؟
- ۲- باززنده سازی سنت (فرهنگ) درونگرایی چگونه می‌تواند صورت بگیرد؟

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از سه روش تحقیق فراهم شده است:

- ۱- توصیفی (تجزیه و تحلیل هر آنچه هست) محاسن معماری بومی؛
 - ۲- علی (چرا چنین است؟)؛ عوامل ایجادکننده این نوع از معماری
 - ۳- عملی (چه باید باشد؟) در زمان کنونی هم می‌توان از تلفیق سنت و صنعت، معماری بومی را زنده کرد و رواج داد.
- ابزار کار در این تحقیق کتابها بوده‌اند که در متن و پایان به آنها اشاره شده است. ابزار دیگر مشاهدات میدانی بوده که بدنه این مقاله را به خود اختصاص داده است.

پیش زمینه

الف- درونگرایی ساخت مسکن بومی

«هر فرهنگی چشم انداز خاص خود را به وجود می‌آورد. یکی از واضح‌ترین و قابل رویت‌ترین سیمای چشم انداز قومی، در معماری آن نهفته است. محصول معماری آن چیزی نیست که توسط مهندسين روی میز نقشه کشی رسم می‌شود، بلکه حاصل خاطرات جمعی مردمان سنتی است. این ساختمانها اعم از خانه، اصطبل، کلیسا و یا قهوه خانه هرگز بر چاپ اوزالید متکی نبوده، بلکه بر تصاویر ذهنی که از نسلی به نسل دیگر اندکی تغییر یافته، تکیه دارد. تری ولستر، ۱۳۸۰، ۲۹۰»

خانه در فرهنگ بومی و مذهبی ما جایگاهی بود مشحون از رفاه و راحتی، رعایت اصول امنیتی و فراهم شدن مفهوم "چار دیواری اختیاری"، برعکس این تفکر، امروزه پذیرای شیشه‌های سکوریت، پنجره‌های اریب و آشپزخانه‌های کنار توالی و حمام شده‌ایم.

نباشد با ساخت پردیس‌ها، برخلاف دروازه‌های امروزی یا ورودی‌ها.



تصویر شماره ۱: ورودی خانه زینت الملک. دو سکو برای نشستن در حالت انتظار و گریز از آفتاب یا باران؛ در حالیکه درب حیاط (دروازه) باز است درون حیاط به هیچ وجه قابل رویت نیست.



تصویر شماره ۲: ورودی ارگ کریمخانی

«هنر معماری در جهان اسلام دارای چهار شیوه بوده که عبارتند از شیوه مصری، شامی، مغربی و ایرانی. شیوه ایرانی از همه ارزشمندتر و گسترده‌تر بوده که در برگیرنده کشورهای عراق، ایران، افغانستان، ازبکستان، هند، اندونزی و ... بوده است و همه سرزمین‌هایی که ایرانیان در گشودن آنها سهیم بوده‌اند. پیرنیا، ۱۳۸۷، ۲۳» اصل بر این بوده که در حد امکان «حجاب» ساخت مساکن رعایت شود و ساکنین از مطبوعیت هوا و محیط مناسب برخوردار باشند به عنوان نمونه بیشتر منازل قدیمی در شیراز در وسط حیاط حوض داشتند و پاشویه و درخت و ماهی.

هنر معماری در جهان اسلام دارای چهار شیوه بوده که عبارتند از شیوه مصری، شامی، مغربی و ایرانی. شیوه ایرانی از همه ارزشمندتر و گسترده‌تر بوده که در برگیرنده کشورهای عراق، ایران، افغانستان، ازبکستان، هند، اندونزی و ... بوده است

«موضوع قابل اهمیت، طرح درونگرایی خانه‌هاست. در خانه‌هایی که ساخته شده‌اند ساکنین آنها احساس ناراحتی نمی‌کردند. اندرون خانه‌ها یا جایی که زن و بچه‌ها زندگی می‌کردند، می‌بایست تنوع زیادی داشته باشد. آشپزخانه را در جایی می‌ساخته‌اند که زن خانه بتواند به راحتی در آن کار کند و کسی او را نبیند. پیرنیا، ۱۳۷۴، ۱۵۴» برخلاف آشپزخانه‌های امروزی که یا جدا نشده‌اند و یا در حد یک متر دیواره دارند و پس از آن مجبور شده و برای آن پرده گذاشته‌اند که میهمان‌ها درون آشپزخانه را نبینند.

در معماری سنتی، ورودی‌ها را به گونه‌ای ساخته‌اند که در صورت باز بودن، داخل حیاط پیدا

یکی دیگر از اصول درونگرایی در سکونتگاهها، حلقه یا بکوبهایی بود که در قسمت بیرونی دربهای ورودی (دروازه) کار می گذاشتند که برای زنها بصورت حلقه‌ای بود و برای مردها بصورت کوبه‌ای و چکشی و از دو فلز متفاوت ساخته می شدند برای ایجاد صداهای مختلف، که از درون حیاط مشخص باشد که مرد پشت در است یا زن! از این نوع دروازه‌ها در حال حاضر در بخش قدیمی شهر شیراز یافت می شود. «فضاها و راهروهای پیچ در پیچ منتهی به حیاطهای اندرونی و بیرونی مانع دید افراد غریبه به داخل حریم مقدس خانه می شده است. ایجاد مکث، تقسیم فضایی، و فضایی جهت انتظار، از عملکردهای جالب این عنصر می باشد. پیرنیا، ۱۳۷۴، ۱۶۰» این فضاها در ورودی ارگ کریمخانی هم اکنون هم وجود دارد همچنین در نارنجستان قوام و خانه زینت الملک.



تصویر شماره ۳: ورودی ارگ کریمخانی. برای ورود به حیاط باید از پردیس روبرو گذشت یا برای ورود به حیاط باید دو زاویه قائمه را طی کرد.

پس از عبور از درب اصلی و وارد شدن به این محوطه باید از پردیس روبرو گذر کنیم تا وارد حیاط شویم یا از دو زاویه قائمه بایستی عبور کرد. برخلاف

دربهای ورودی حیاطهای کنونی که به محض باز بودن، کل حیاط در معرض دید بیرونی قرار می گیرد. «اطاق سه دری، اطاق خواب بوده و نکته جالب برای سردرها و دیگر اطاقها این بوده که هیچوقت از فضای آزاد وارد آنها نمی شدند و در کنار هر کدام راهرویی در نظر گرفته می شد. کیانی، ۱۳۷۴، ۸۵» و سرانجام اینکه «واژه درونگرایی قبل از اینکه رنگ معماری به خود بگیرد از دیدگاه اخلاقی و عرفانی نیز در برگیرنده معانی و مفاهیمی ارزشی و هنجاری است. مثلاً تودار بودن و گرایش به حالات درونی و پرهیز از نشان دادن آن حالات بصورت تظاهر. تاجایی که معماری ایران از این نظر که در نمای بیرونی آن و در گذرهای پر پیچ و خم چیزی جز خشت و گل دیده نمی شود ولی در داخل دنیایی از زیبایی دارد، درونگرا نامیده می شود. معماریان، ۱۳۷۵، ۱۲»

ب- برون گرایی در معماری جدید (معماری

غربی)

«در بیرون از ایران، معماری، برونگراست. پیرنیا، ۱۳۷۴، ۳۱۶» به این عبارت که عریان سازی و توجه به بیرون بیشتر از پرده پوشی و توجه به درون در معماری رواج دارد. برونگرایی ظاهرسازی است و ظاهرسازی پیامد مد است و مصرف. سبک باروک توجه اش به نمای ساختمان است از بیرون.

در برونگرایی اصل بر فضای بیرونی بود مثل توجه هر چه بیشتر در ساخت پیاده روها، پارکها و بازه های منازل و نمای سمبلیک ساختمانها. «در خانه هایی که امروزه ساخته می شود در اغلب آپارتمانها مهمان از وسط اطاق می گذرد. خانم خانه

معماری امروزه ایران که از پیشینه خود جدا شده و رنگ و بوی غربی به خود گرفته لجام گسیخته به پیش می‌رود، به گونه‌ای که در آینده بطور کلی معماری اصیل ایرانی را بایستی در کتابها و نمایشگاهها جستجو کرد، چنانکه لباس‌های بومی و سنتی

بهینه نشدن زندگی، رفت و آمد، تعمیر خدمات رسانی و ... در این بافت و رویگردانی متمولین از زندگی در این بافت (همان زندگی که روزگاری اجدادشان آرزوی زندگی را در آن داشتند)، بشدت در حال ویرانی است که پیامدش ویرانی فرهنگی این مرز و بوم و استحاله فرهنگی و پذیرش تام و تمام فرهنگی غرب است بویژه در معماری شهری!

جغرافیای مساکن

مساکن، موجوداتی خلق الساعه نیستند که همانند قارچ و یا آتشفشان از دل زمین بیرون آیند بلکه حاصل گذشته‌اند، گذشته‌ای فرهنگی و هنجاری. فرهنگ و هنجاری که در هر جغرافیایی وجود دارد. در حقیقت مساکن و شکل و شمایل معماری همانند کتابی هستند که می‌توان ورق زد و تاریخ و فرهنگ یک ملت را از ابتدا تا انتها در آن خواند. بنابراین، مساکن حاصل جغرافیای خودند اعم از انسانی و طبیعی.

مساکن همانند لباسند که وظیفه‌اش پوشیدن اندرون است. اساساً مساکن و لباسها دو روی یک سکه‌اند که وظیفه‌شان پوشیدن اسرار است. در فرهنگ ایران زمین که سکونت و شهرنشینی چندین هزار

برای رفتن به آشپزخانه باید از وسط میهمان‌ها گذر کند. پیرنیا، ۱۳۷۴، دانشگاه علم و صنعت»

معماری امروزه ایران که از پیشینه خود جدا شده و رنگ و بوی غربی به خود گرفته لجام گسیخته به پیش می‌رود، به گونه‌ای که در آینده بطور کلی معماری اصیل ایرانی را بایستی در کتابها و نمایشگاهها جستجو کرد، چنانکه لباس‌های بومی و سنتی. در همین رابطه یکی از خانه‌های قدیمی و درونگرای شیراز به نام خانه صالحی تبدیل به موزه لباسهای بومی و سنتی شده که در نزدیکی شاهچراغ قرار دارد. موزه گذاری معماری و ... در حقیقت کنده شدن از جغرافیای خود است و قطعاً پیامدهای نامیمونی را به دنبال داشته و خواهد داشت.

ج- بافت قدیم شیراز (در حال تخریب)

تا پایان سلسله قاجاریه شهر شیراز در دیوار و قلعه محصور بود و دروازه‌هایی داشت، نشئت گرفته از همان زمینه درونگرایی، متنها در اینجا بیشتر امنیت نقش بازی می‌کرد. ورود و خروج به این شهر تنها از راه دروازه-هایی امکان‌پذیر بود که امروزه فقط اسمشان باقی مانده است مثلاً دروازه سعدی، دروازه کازرون، دروازه اصفهان، و دروازه قصابخانه و ...

در این بافت، معماری اصیل ایرانی به خوبی دیده می‌شود و حتی تعداد زیادی از خانه‌ها توسط میراث فرهنگی به موزه تبدیل شده است. در این ساختمانها اصل «حجاب» به خوبی رعایت می‌شده است همراه با امنیت که فعلاً در این مقوله نمی‌گنجد. در این بافت، حریم خانه‌ها از بیرون کاملاً پوشیدگی را حفظ می‌کنند. انسان باید از کوچه‌های تنگ و دهلیز مانند عبور کند تا وارد حیاطی شود مشحون از زیبایی و تنوع و مغایر با هر آنچه در بیرون خود نمایی می‌کند. متأسفانه به دلیل

ساله را در خود جای داده است (چغازنبیل در شوش در خوزستان تاریخی ۷۰۰۰ ساله دارد) می‌توان به ترجمان این هدف از مساکن دست یافت که ایرانیان از همان ابتدا تفکرات مذهبی خود را در مساکن دخالت می‌داده‌اند و مهمترین وجه این تفکر رعایت پوشیدگی و حجاب بوده است که توسط اولین سلسله‌های حکومتی آریایی در این مرز و بوم رعایت می‌شده است. «ماده‌ها، معماریشان ملهم از افکار و اعتقادات مذهبی بوده است. زارعی، ۱۳۸۷، ۷۸»

در زمان کنونی می‌توان این پوشیدگی و حجاب را در ارگ کریمخانی در شیراز به خوبی مشاهده کرد. گرچه این ارگ در حقیقت محل زندگی خصوصی کریمخان بوده ولی برحسب ضرورت در همین حیاط هم پوشیدگی رعایت شده است. به عنوان نمونه به هیچ وجه در حال حاضر هم نمی‌توان از دروازه، درون حیاط را دید. «کوچه‌های پرپیچ و خم و خیابان و کوچه‌های بن بست ضمن آنکه می‌تواند نمادی برای جلوگیری از نفوذ و اثر چشم شیطان باشد به خلوت گزینی محله‌های شهر و محدودیت ترافیک کمک کرده و آسایش و آرامش را برای انسان به ارمغان آورد. صابری، ۱۳»

فرهنگ درونگرایی

جهان از بعد فرهنگی محصول یک ابزار است که از طریق آن، افراد، دنیای پیرامون خود را تفسیر و تعبیر می‌کنند و براساس آن زندگی. جهان از این زاویه دید از ارزشها، رسوم و هنجارهایی که یک جامعه خاص را تعریف می‌کند، ساخته شده است.

پوشاک، حمل و نقل، غذا، نمای بیرونی و درونی منازل و دکوراسیون و ...، همگی به عنوان الگوهایی برای بیان معانی فرهنگی که جهان را می‌سازند، بکار

می‌روند. فرهنگ انطباق پذیر است و شخص هر از گاهی جنبشهایی که با ارزشهای سنتی فرهنگ ناسازگارند، مشاهده می‌کند. به عنوان نمونه می‌توان از شیوع معماری غربی در این کشور نام برد که اساساً راهی جداگانه و روشی مغایر با این فرهنگ و آداب و رسوم را پیش گرفته و بولدوزر وار ساخته‌های خود را بر نابودی فرهنگ بومی بنا گذاشته است. اما فرهنگی که بطور اصولی براساس فرهنگ و جغرافیای خود بنا شده باشد قبل از آنکه از سایر فرهنگها تاثیر بپذیرد سعی می‌کند که فرهنگها را تغییر شکل داده و بپذیرد. در این میان "خودباختگی و استحاله فرهنگی" صورت نمی‌گیرد. برآورد مقاله این است که معماران ما می‌توانند در ساخت و سازها، سنت و صنعت را درهم آمیزند. این سنت که بایستی زنده شده و در مساکن و معماری رعایت شود، سنت درونگرایی است.

درونگرایی حاصل محیط است، حاصل جغرافیاست، جغرافیای انسانی و طبیعی. در جغرافیای ایران این درونگرایی شکل گرفته و سینه به سینه نقل شده، تاکنون که به دست ما رسیده است.



تصویر شماره ۴: بکوبها روی درب‌های قدیمی
سمت راست برای مردان و سمت چپ برای زنان

گرداگرد آن می‌چیده‌اند. در بارو و دیوار بیرونی، پنجره و روزنه‌ای نبوده تا بتوان از درون بیرون را دید. گویا معماران ایرانی این روش را از عارفان هم میهن خود فرا گرفته بودند که به برون کاری نداشته و درون را می‌نگریسته‌اند. پیرنیا، ۱۳۸۷، ۸۵» بنابراین به این نکته می‌رسیم که «حجاب» در معماری سنتی ایرانی به خوبی رعایت می‌شده از دوران کهن تا قرن معاصر و قبل از غربی شدن ساخت و سازها.

برخی گمان کرده‌اند که آیین پاک اسلام با گریز و پرهیزی که به همراه داشته مردم مسلمان ایران را درونگرا کرده است، اما کاخهای تخت جمشید و کوشکهای زمان ساسانیان گواهی می‌دهند که ایرانی همیشه درونگرا بوده است و می‌خواسته که چون شب، در خانه، با خانگیان خود، دور از نگاه بیگانه، آرام بیاساید

در نقشه تخت جمشید و اجزا و کاخهای آن، درونگرایی به خوبی دیده می‌شود که هر ساختمان دارای فضاهای خدماتی و راهرو بوده و نیاز به فضاهای دیگر نداشته‌اند. این امر به دلیل باور ویژه‌ای است که در آن زمان به «حجاب» داشته‌اند. این «حجاب» که ریشه در این آب و خاک داشته پس از اسلام بر آن صحنه گذاشته شد و قطعاً نمی‌توان گفت که این درونگرایی حاصل فتح ایران به دست اعراب مسلمان بوده است. چنانکه در سایر موضوعات هم دین اسلام پس از گسترش، با سنتهای عقلانی مخالفتی نداشته، که بر آن صحنه گذاشته و یا ترویج هم کرده است. رعایت «حجاب» در سکونتگاهها هم یکی از این موارد است.

«اصولاً در ساماندهی اندامهای گوناگون ساختمان، بویژه ساختمانهای سنتی، باورهای مردم بسیار کارساز بوده. یکی از این باورها ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درونگرا ساخته است. پیرنیا، ۱۳۸۷، ۳۵» این موضوع درونگرایی از گذشته‌های بسیار دور و از پایه‌گذاری ایران در این مرز و بوم وجود داشته است.

منتها این فرهنگ چندین هزار ساله در برابر فرهنگی غیر بومی (غربی) که از اهدافش عریان سازی است مدتهاست رنگ باخته اما هنوز خمیرمایه آن باقی است که امید می‌رود معماران و طراحان شهری آنها را زنده ساخته و بصورت بهینه و به روز، در ساخت بناها استفاده کنند.

«برخی گمان کرده‌اند که آیین پاک اسلام با گریز و پرهیزی که به همراه داشته مردم مسلمان ایران را درونگرا کرده است، اما کاخهای تخت جمشید و کوشکهای زمان ساسانیان گواهی می‌دهند که ایرانی همیشه درونگرا بوده است و می‌خواسته که چون شب، در خانه، با خانگیان خود، دور از نگاه بیگانه، آرام بیاساید. همان، ۳۱۶»

این درونگرایی در حجاریها هم به خوبی هویدا است به گونه‌ای که در آثار مروداشت به چهره هیچ زنی بر نمی‌خوریم مگر در "نقش رجب"، که وجودش آنجا هم نمای پشت صحنه است.

«در کاخ شوش نیز درونگرایی دقیقاً رعایت می‌شده حتی در و پنجره‌های تالارها، همگی رو به میان سرا داشته‌اند. پیرنیا، ۱۳۸۷، ۸۵»

«در ایران در میان خانه، باغچه و استخری می‌ساخته‌اند و اتاقها و تالارها را چون آغوشی بسته

«از جمله اصول و ضوابطی که در شهرسازی اسلامی رعایت می شده می توان از موارد زیر نام برد:

۱- اصل محرمیت و پوشیدگی است که بر مبنای این اصل به مهندسان و شهرسازان اسلامی گوشزد می کند که بناها و مساکن در شهر اسلامی باید به طریقی بنا شود که ضمن بهره مندی از فضاها، پوشیدگی و حجاب زندگی فردی و خصوصی تبیین شود؛

۲- اصل حرمت ساخت بناهای مرتفع بر این اساس بلند مرتبه سازی در شهر اسلامی نباید حریم خصوصی افراد را از بین ببرد. صابری فرد، ۷۱»

«در خانه های کاملتر، زندگی خصوصی به طرز زیبایی با زندگی عمومی از هم جدا شده که شامل عناصری از قبیل بیرونی و اندرونی بوده است. پیرنیا، ۱۳۷۴، ۱۵۸» در اندرونی اهل حرم (زن و بچه ها) زندگی می کرده اند و بیرونی محلی بوده برای ارتباط با اغیار، اما محترمانه و مودبانه. این معماری حتی در ساختمانهای برونگرا مانند کوشکهای میان باغها رعایت می شده و درونگرایی را رعایت می کرده اند. این مورد را می توان در خانه زینت الملک (قوام، شیراز) که با فاصله یک کوچه ۵ متری از نارنجستان قوام جدا شده مشاهده کرد. البته خانه زینت الملک کاملاً استقلال داشته و از راه زیر زمین (تونل) این دو بنا به هم ارتباط داشته اند که در حال حاضر بسته شده است.

ورودی ارگ کریمخانی هم بدین گونه است. در ارگ کریمخانی از درب اصلی بلافاصله وارد حیاط نمی شویم بلکه پس از گذشتن از یک محیط سربسته و سکودار (برای نشستن و در انتظار اجازه ورود ماندن) باید به سمت راست پیچید و پس از گذشتن از یک فضای بدون درب، حیاط را دید البته نه همه فضای داخلی حیاط را. چون درختان مانع می شوند. ارگ

کریمخانی در حقیقت، اندرونی کریمخان بوده و خلوت خدای خانه بنابراین، در آن به خوبی «حجاب» رعایت شده است. اما در عمارت کلاه فرنگی که محل اداری کریمخان بوده این «حجاب» وجود ندارد. چون این عمارت یک کوشک (PAVILION) است و محل عبور و حضور اغیار.

«جوامع اسلامی همگی دارای احساس عمیق پوشیدگی و خلوت شخصی هستند که در معماری سنتی آنان بازتاب می یابد به نحوی که خانه ها، چهره ای اندرونی و باطنی دارند. بنابراین معماری درونزای شهری در هر کشوری بازتابی از مفهوم مکان در ذهن انسانهای آن کشور، اشکال زندگی اجتماعی و سازمان اجتماعی آن است. صابری، ۶۹»

فرهنگ برونگرایی

برونگرایی حاصل و ره آورد فرهنگ غربی است، فرهنگی که توجه اش به بیرون و برونگرایی است. این فرهنگ همراه با ماشین و سایر مظاهر زندگی صنعتی وارد این مرز و بوم شد و شالوده معماری ایران را فرو ریخت که متأسفانه، پایانی بر آن متصور نیست. عریان سازی حاصل خودنمایی صنعتی است و صنعت هم بدون پدیده مدگرایی رشد و توسعه نمی یابد.

«با این همه، روند معماری و هنر این سرزمین که تا زمان فتحعلی شاه و محمد شاه همچون زنجیری پیوسته بود، بر اثر خودباختگی فرهنگی به ویژه در زمان ناصرالدین شاه از هم گسست و به پسرفت دچار شد. پیرنیا، ۱۳۷۴، ۳۴۹» این پسرفت تاکنون بشدت ادامه دارد و به جای آن پیشرفت معماری غربی است که نه در معماری بلکه در تمامی ساخت و سازهای دیگر هم رسوخ کرده است.

درونگرایی و اصل بازگشت به خویش

حتی غربیها از این برونگرایی دلزده شده و به سوی درونگرایی گام برمی دارند. «در حالی که کیفیت عرصه عمومی در حال تنزل است عرصه خصوصی با تاکید بر حریم خصوصی، خلوت گزینی، آسایش فردی، مصرف شخصی و امنیت فردی رو به افزایش است. تیبالدز، ۱۳۸۷، ۱۶» در اینجا مخالفت و یا موافقتی با فرهنگ برهنگی و عریان سازی نداریم. نظر ما این است که فرهنگ برهنگی و عریان سازی و بی «حجاب» در معماری، ریشه در این جغرافیا ندارد.

این درونگرایی (آسایش فردی و خانوادگی) هنوز هم در این مرز و بوم خودنمایی می کند اما در حال کم رنگ شدن است.

نمونه های عینی

۱- در سال ۱۳۷۱ از سوی دانشگاه اصفهان در سفری علمی به دیدار شهرک جدید مجلسی رفتیم. تفکیک منازل از هم با فضای سبز، آنهم چمن صورت

گرفته بود. پس از مدتی شهرک آماده پذیرایی از مهاجران شد که بیشتر جوان و یا بدون فرزند مدرسه رو بودند. اغلب خانه ها واگذار شدند اما پس از مدتی تخلیه ناگهانی آغاز شد. به دنبال چون و چراها رفتند. یکی از این دلایل این بود که منازل «حجاب» ندارند و عریان اند و حیاط خصوصی در کار نیست و قس علیهذا. بازخورد این بود که؛ چمنها کنده شدند و به جای آنها دیوارهای ۲ متری با بلوکهای سیمانی سربرافراشتند و منازل بطور واقعی درونگرا شدند و دارای در و دروازه، قفل و کلید، امنیت و «حجاب».

۲- به کرات در شهرهای مختلف دیده می شود که ایوان آپارتمانها را با حصیر، سیمهای شبکه ای و ورقهای فلزی پوشانده اند. سوال اینجاست: چرا معماران ما خلق و خوی مردم خود را به فراموشی سپرده اند؟ پنجره ها و یا ایوانهای بدون «حجاب» ره آورد فرهنگ غرب است و در این دیار کارایی مطلوبی ندارد. این اعتقاد را با ملقمه سنت و صنعت می توان در معماری امروزی بکار گرفت. متأسفانه



تصاویر شماره ۵، ۶ و ۷: پرده، نرده، شبکه و شیشه برای رعایت پوشیدگی و حجاب برخلاف معماری روز

به کرات در شهرهای مختلف دیده می‌شود که ایوان آپارتمانها را با حصیر، سیمهای شبکه‌ای و ورقهای فلزی پوشانده‌اند. سوال اینجاست: چرا معماران ما خلق و خوی مردم خود را به فراموشی سپرده‌اند؟ پنجره‌ها و یا ایوان‌های بدون «حجاب» ره‌آورد فرهنگ غرب است و در این دیار کارایی مطلوبی ندارد

ساخت مساکن، پدیده‌ای فرهنگی-اجتماعی است که حاصل گذشته‌های دورند. گذشته‌ای که در جای جای این مرز و بوم هم اکنون وجود دارند و به آسانی نمی‌بایست در برابر فرهنگ غیر، استحاله شده و رنگ فرهنگ بیگانه به خود بگیرد که در آن صورت بصورت وصله‌ای ناچسب در می‌آید

نتیجه

جغرافیای انسانی و طبیعی یک مکان در آفرینش انسانساختهایی همچون مساکن، کاخ‌ها و مساجد نقش اصلی را بازی می‌کند و نسلهای فعلی و آتی ناخودآگاه این امر را به ارث می‌برند. ترکیب جغرافیای انسانی و طبیعی است که سکونتگاهها را بوجود می‌آورد. مدل‌های غیربومی هم عمدتاً با این جغرافیا ناسازگارند که پدیده‌های منفی زیادی را به دنبال دارند، مگر اینکه در زیر چتر مدل‌های بومی، بهینه و به روز شوند که در کشور ما این فرآیند مطلوب نبوده است. مثلاً درونگرایی و رعایت «حجاب» که سالیان دراز است در ساخت مساکن در این دیار رعایت می‌شدند اکنون به کناری گذاشته شده و تبدیل شده‌اند به آشپزخانه‌های اوپن و هال و پذیرایی متصل به هم که با فرش و قالی هماهنگ باشند و ... عریان‌سازی. ساخت مساکن، پدیده‌ای فرهنگی-اجتماعی است که حاصل گذشته‌های دورند. گذشته‌ای که در جای جای این مرز و بوم هم اکنون وجود دارند و به آسانی نمی‌بایست در برابر فرهنگ غیر، استحاله شده و رنگ فرهنگ بیگانه به خود بگیرد که در آن صورت بصورت وصله‌ای ناچسب در

آنگونه که شاهدیم در ایران زمین، سنت معماری در برابر انسانساختهای صنعتی رنگ باخته و به بوت‌ه فراموشی سپرده شده است.



تصویر شماره ۸: پس از ورود به هشتی از درب اول سه درب دیگر باز می‌شود که هرکدام منتهی به یک خانه و حیاط بزرگ می‌شوند

«اکنون می‌بایست از نکات مثبت معماری گذشته، بویژه، خانه‌ها، بهره برد و آن را با روش‌های نوین ساختمانی و نیاز امروز مردم هماهنگ ساخت. ما باید به فکر معماری روستاها و شهرهای کوچک نیز باشیم، همه چیز در تهران خلاصه نمی‌شود. پیرنیا، ۱۳۸۷، ۳۴۹»

- شکویی، حسین، دیدگاههای نو در برنامه‌ریزی شهری، سمت، تهران، ۱۳۷۳.
- صابری فرد، رستم، تاریخ علم برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۷.
- کلیف، ماگتین، طراحی فضاهای شهری، ترجمه نارسیس سهرابی، انتشارات ثامن الحجج، تهران، ۱۳۸۷.
- کیانی، محمد یوسف، معماری ایران در دوره اسلامی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۷.
- موسویان، محمدرضا، اصول و مبانی معماری و شهرسازی، انتشارات آذرخش، ۱۳۸۷.
- نظریان، اصغر، جغرافیای شهری ایران، پیام نور، تهران، ۱۳۷۴.
- هیلن برند، روبرت، معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت‌الله زاده، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۸۷.

می‌آید. اعتقاد بر این است که فرهنگ معماری شهری و روستایی در این دیار از چنان استخوان‌بندی برخوردار است که می‌توان آنها را با بهینه‌سازی در دنیای صنعتی فعلی بکار گرفت. شاید بتوان به این بهینه‌سازی "نهضت بازگشت به خویش در معماری" نام نهاد.

پی‌نوشت

- ۱- عمارت ویلایی (کوشک) که درون یک باغ بنا شده باشد مثل عمارت کلاه فرنگی که در شیراز در باغ نظر بنا شده است و یا عمارتی که در وسط نارنجستان سعدی بنا شده و یا عمارت باغ ارم
- ۲- دیواری است که بعد از درب ورودی برای جلوگیری از دید مستقیم ایجاد می‌شده است

منابع

- پیرنیا، محمدکریم، معماری اسلامی ایران، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ۱۳۷۴.
- پیرنیا، محمد کریم، سبک شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معاریان، نشر سروش دانش، تهران، ۱۳۸۷.
- تری ولستر، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی-ترجمه تولایی و سلیمانی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، تهران، ۱۳۸۰.
- تیبالدز، فرانسیس، شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، نشرخاک، تهران، ۱۳۸۷.
- سعیدی رضوانی، عباس، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، آستان قدس، مشهد، ۱۳۷۲.
- زارعی، محمد ابراهیم، آشنایی با معماری جهان، نشر فن آوران، تهران، ۱۳۸۷.
- سلطانزاده، حسین، روند شکل‌گیری مراکز مذهبی در ایران، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۲.
- شکویی، حسین، جغرافیای اجتماعی شهرها، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۹.